

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**تقدیم:**

تقدیم به همه کسانی که در راه عملی کردن آرمان  
انبیا و اولیای الهی گام برمی دارند.

## تشکر و قدردانی

پس از حمد و ثنای بی‌کران بر خالق بی‌همتا بر خود لازم می‌دانم از همه کسانی که در تدوین این پژوهش مرا یاری نمودند، سپاسگزاری کنم. در این میان از استاد راهنما (سرکار خانم دکتر جلالی) و استاد مشاور (سرکار خانم دکتر بهارزاده) که با راهنمایی‌های بی‌شایبه خود نقش ارزنده‌ای در این کار ایفا کردند، قدردانی می‌کنم. همچنین از مادر، همسر و فرزند دلبندم که همواره مشوق من بودند و سختیهای تحصیل را تحمل نمودند، سپاسگزارم.



## چکیده:

قرآن کریم کتاب هدایت و انسان‌سازی و حاوی پیامهای رسولان الهی است.

در این راستا از کسانی که مقابل پیامبران ایستادگی می‌کردند و از قبول دعوت ایشان سرباز می‌زدند نیز سخن به میان آورده و نحوه تعامل و برخورد پیامبران با آنان را در آیات فراوانی شرح داده و به تصویر کشیده است. این سوال مطرح است که آیا پیامبران با شیوه‌های یکسان با مخالفان برخورد می‌کردند و یا از شیوه‌های خاص نیز در برخورد با گروهی از آنها بهره می‌گرفتند؟

از مجموع آیات قرآن چنین برمی‌آید که برخی از روش‌ها در مقابله با انواع مخالفان، عام و مشترک بوده و برخی دیگر تنها در برخورد با گروهی خاص در پیش گرفته شده است.

یکی از ویژگی‌های مهم فرستادگان الهی آگاهی داشتن به موقعیت‌های مخالفان خود و افکار آنان بود، از این رو در موقعیت‌های گوناگون از روشهای مختلفی در برخورد با انواع مخالفان بهره می‌جستند. با این توضیح که در موقعیت‌ها و شرایط یکسان با همه مخالفان با یک شیوه برخورد می‌کردند، ولی گاهی متناسب با نوع مخالف و افکارش، روش خاصی را در برخورد با او پیش می‌گرفتند.

این تحقیق بر اساس عام و یا خاص بودن شیوه‌ها در دو فصل تنظیم شده است. در فصل «شیوه‌های عام» شیوه‌هایی مانند «بیدارسازی عقول»، «موعظه»، «مدارا» و... که در برخورد با انواع مخالفان، مشترک بود، بررسی شده و در فصل «شیوه‌های خاص» روشهای اختصاصی «روبارویی با کفار و مشرکان»، «اهل کتاب» و «منافقان» مطرح شده است؛ مانند «مقابله به مثل» که تنها در برخورد با کفار و مشرکان مصداق داشت و یا شیوه «افشای سوابق» که تنها در مواجهه با «اهل کتاب» از آن بهره جسته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** پیامبران، مخالفان، مشرکان، اهل کتاب، منافقان، موعظه، مدارا، تهدید، براهت، مباحله.

دانشگاه الزهرا (س)  
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه  
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان

## شیوه‌های تعامل پیامبران با مخالفان از نگاه قرآن

استاد راهنما  
دکتر سهیلا جلالی کندی

استاد مشاور  
دکتر پروین بهارزاده

دانشجو  
علیه السادات صدیقی

بهمن 1386

## فهرست مطالب

1	طرح کلیات .....
2	مقدمه .....
3	اهداف پژوهش و ضرورت آن .....
4	پرسشهای پژوهش .....
4	فرضیه‌های پژوهش .....
4	پیشینه پژوهش .....
6	فصل اول: شیوه‌های عام .....
7	1-1- بیدارسازی عقول .....
8	1-1-1- اقناع مخالف با ارایه معجزه .....
29	1-1-2- بهره‌جویی از مشترکات عقیدتی .....
33	1-1-3- جدال احسن .....
37	1-1-4- توجه دادن به ریشه انحرافها .....
40	1-1-4-1- جهل .....
45	1-1-4-2- غفلت .....
47	1-2- موعظه و اندرز .....
54	1-3- برانگیختن حس شکرگزاری .....

- 57..... 4\_1 تشویق و تیشیر
- 60..... 4\_1 1\_ بشارتهای مادی
- 62..... 4\_1 2\_ بشارتهای معنوی
- 62..... 4\_1 2\_ 1\_ هدایت
- 62..... 4\_1 2\_ 2\_ بخشش خداوند
- 65..... 5\_1 5\_ تحریک عواطف
- 69..... 6\_1 6\_ تأکید بر پابندی به پیمانها
- 71..... 7\_1 7\_ نفی برتری
- 71..... 7\_1 1\_ 7\_ 1\_ ارایه ملاکها و معیارهای واقعی برتری
- 73..... 7\_1 2\_ 7\_ 1\_ درخواست دلیل و مدرک
- 73..... 7\_1 3\_ 7\_ 1\_ اعلام عدم مطابقت ادعا با واقعیت
- 76..... 8\_1 8\_ مثال زدن
- 78..... 8\_1 1\_ 8\_ 1\_ مثال زدن از بدیهیات
- 80..... 8\_1 2\_ 8\_ 1\_ مثال آوردن از گذشتگان
- 83..... 9\_1 9\_ گذشت و مدارا
- 93..... 10\_1 10\_ صبر
- 97..... 11\_1 11\_ افشای درون
- 99..... 12\_1 12\_ پرهیز از دوستی و سازش
- 109..... 13\_1 13\_ تهدید به:
- 112..... 13\_1 1\_ 13\_ 1\_ بی‌اثر شدن اعمال و کوششها در زندگی
- 116..... 13\_1 2\_ 13\_ 1\_ خواری
- 120..... 13\_1 3\_ 13\_ 1\_ مهر خوردن قلب و اضلال
- 121..... 13\_1 4\_ 13\_ 1\_ محرومیت معنوی
- 122..... 13\_1 4\_ 1\_ 13\_ 1\_ محرومیت از محبت و علاقه خدا
- 122..... 13\_1 4\_ 2\_ 13\_ 1\_ محرومیت از هدایت الهی
- 123..... 13\_1 4\_ 3\_ 13\_ 1\_ محرومیت از آموزش و مغفرت خدا
- 125..... 13\_1 5\_ 13\_ 1\_ غضب خدا



127	1-13-6 دشمنی خدا .....
128	1-13-7 لعن .....
130	1-13-8 عذاب در دنیا .....
133	1-13-9 عذاب در آخرت.....
135	1-14-14 جهاد .....
151	فصل دوم: شیوه های خاص.....
152	2-1-1 شیوه های خاص برخورد با کفار و مشرکان .....
152	2-1-1 دعوت به راه فطرت .....
164	2-1-2 دعوت به اندیشیدن درباره طبیعت .....
166	2-1-3 احترام به پرسشها و پاسخ گویی به شبهات.....
169	2-1-4 وا گذاشتن به حال خود .....
172	2-1-5 امان دادن .....
173	2-1-6 مقابله به مثل .....
176	2-1-7 اعلام براءت و بیزاری .....
180	2-1-8 نفرین .....
182	2-2-2 شیوه های خاص برخورد با اهل کتاب .....
182	2-2-1 پذیرش داوری برای حل مشکل.....
183	2-2-2 واداشتن به تفکر از طریق استدلال به عقایدشان.....
188	2-2-3 افشای سوابق .....
189	2-2-4 مباحله .....
192	2-3-3 شیوه های خاص برخورد با منافقان .....
192	2-3-1 توجه دادن به مشیت خدا .....
193	2-3-2 اجازه ندادن برای گریز از جنگ و پرهیز از انعطاف .....
196	2-3-3 خنثی کردن دسیسه ها.....
197	نتیجه .....
203	فهرست منابع.....

---

## طرح کلیات

---

## مقدمه

پیامبران همواره در مسیر انجام مسؤولیت خود و دعوت و هدایت مردم با گروهی از مخالفان روبرو بودند؛ مخالفانی که به بهانه‌های متفاوت از پذیرفتن دعوت آنها سرباز می‌زدند و یا به نوعی سد راه آنها قرار می‌گرفتند.

در قرآن کریم سرگذشت مصلحان و پیامبران الهی به عنوان نمود و جلوه‌ای از حق مطرح شده است و در مقابل، مخالفان ایشان نمودی از جبهه باطل هستند؛ بنابراین برخورد فرستادگان الهی با مخالفان خود، نمود روشنی از مقابله حق و باطل است؛ از این رو چگونگی رویارویی پیامبران با مخالفان می‌تواند برای همه کسانی که به نوعی در مواجهه با باطل هستند، مورد استفاده قرار گیرد. اکنون نیز برای آنکه بدانیم چگونه با مخالفان برخورد کنیم، لازم است چگونگی تعامل پیامبران با مخالفان را بشناسیم. آیا ایشان با شیوه‌های یکسان با مخالفان خود برخورد می‌کردند یا این شیوه‌ها با توجه به نوع مخالف، متفاوت بوده است؟

به دنبال پاسخ به این پرسشها، این پژوهش در دو فصل شیوه‌های عام و شیوه‌های خاص تنظیم می‌شود تا با استناد به آیات قرآن، شیوه‌ها و طرق گوناگونی را که انبیای الهی در رویارویی با مخالفان به کار برده‌اند، مورد بررسی قرار دهد.

ضروری است بدانیم مراد از «مخالف» کیست و از نظر لغت‌شناسان چه معنایی دارد؟

مخالف از ماده «خَلَف» در اصل به معنای مقابل «پیش‌رو و جلو»<sup>1</sup> است. آقای "مصطفوی" در توضیح این معنا می‌نویسد: «خَلَف» به معنای آن چیزی است که بر پشت و ورای چیزی قرار می‌گیرد. گاهی وقوع شیء به دنبال چیز دیگری از حیث زمانی اعتبار می‌شود و گاهی تأخر مکانی در آن اعتبار می‌شود. گاهی نیز تأخیر و تعقیب در کیفیت، وصف و خصوصیات لحاظ می‌شود.

---

1- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ اول، دارالعلم دارالشامیه، دمشق، بیروت، 1412 هـ. ق، ص 293. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه

ایشان «مخالفة» را به معنای «ادامه وقوع در تأخر و خلف شیء» می‌داند؛ بنابراین در آیه «... فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» نور (24): 63 مراد از مخالفان را کسانی می‌داند که در خلف امر و اطاعت و متأخر از آن هستند و در واقع تأخر در کیفیت لحاظ شده است.<sup>1</sup>

"راغب" «مخالف» را به این معنا می‌داند که هر یک از آنها روشی غیر از روش دیگری در عمل و یا گفتار در پیش گیرد. همچنین معتقد است مراد از «مخالف» در آیه «... فَأَقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ» توبه (9): 83 عقب‌مانده‌ای است که به خاطر قصور و سستی و یا به دلیل نقصان و کمبود از دیگران بازمانده است.<sup>2</sup>

منظور نگارنده از مخالفان در این تحقیق، معاندان (کفار و مشرکان)، اهل کتاب و منافقان است؛ ولی به بررسی نوع تعامل پیامبران با پیروانی که به نوعی از دستورهای ایشان تخلف می‌ورزیدند، پرداخته نمی‌شود.

با توجه به آنچه که از مفهوم «مخالف» مد نظر نگارنده بود؛ قرآن کریم بارها به صورت مستقیم مطالعه شد. مشخص نبودن مخاطب در بسیاری از آیات اقتضا می‌کرد از همان ابتدا شأن نزول آن آیات بررسی شود، آن گاه آیات مرتبط با بحث انتخاب و دسته‌بندی گردد. تنظیم مطالب نیز با مراجعه به تفاسیر و کتابهای لغت که اکثراً از منابع دسته اول است، صورت گرفته است. همچنین در تقسیم‌بندی روش‌های رویاروی پیامبران با مخالفان ابتدا روش‌های مسالمت‌آمیز و آسان‌تر مدنظر قرار گرفته و آنگاه شیوه‌های شدیدتر مانند تهدید، جهاد و... مطرح شده است.

## اهداف پژوهش و ضرورت آن

ایجاد حکومت دینی به اجرای اهداف انبیا، مبنی بر برپایی عدالت، ایجاد امنیت و گسترش فرهنگ توحیدی، کمک شایانی می‌کند. اهدافی که به دلیل کارشکنی و ممانعت منفعت‌طلبان سرکش و فزون خواهان متجاوز کمتر به واقعیت پیوسته است. حکومت کنونی ایران از موارد نادری است که با هدف اداره جامعه بر اساس مبانی دینی بنیان‌گذاری شده و برای تحقق کامل آن تلاش می‌کند.

1- التحقیق، همان، ص 110- 112.

2- المفردات فی غریب القرآن، ص 294 - 295.

وصول به این هدف در گرو بدست آوردن بهترین الگوها و الهام گرفتن از متقن‌ترین شیوه‌هاست. مطالعه، بررسی، تحقیق و تحلیل روشهای انبیاء - علیهم السلام - و نوع عملکرد آنان در مسایل مختلف، راهنمای ما در طی این مسیر است. از آنجا که چگونگی رویارویی با مخالفان از مشغله‌های مهمی حکومتی است، بررسی نحوه رویارویی پیامبران - علیهم السلام - با مخالفان می‌تواند برای حل این معضل راهگشا باشد. گرچه شاید همه شیوه‌هایی که در این تحقیق بدان دست می‌یابیم، اکنون نتواند مورد استفاده قرار گیرد، ولی به طور کلی می‌تواند گامی در راه عملی کردن آرمان اولیای الهی و طالبان برپایی حکومت دینی باشد.

### پرسش‌های پژوهش

- 1- چه شیوه‌های عام و مشترکی در برخورد پیامبران با انواع مخالفان وجود دارد؟
- 2- پیامبران از چه شیوه‌های خاصی در برخورد با مخالفان استفاده کرده‌اند؟

### فرضیه‌های پژوهش

- 1- شیوه‌هایی مانند اقناع مخالف و تهدید به عذاب از شیوه‌های عام و مشترکی است که پیامبران در مقابله با مخالفان از آن استفاده کرده‌اند.
- 2- بهره‌جویی از مشترکات اعتقادی یکی از شیوه‌های خاص برخورد پیامبران با مخالفان بوده است.<sup>1</sup>

### پیشینه پژوهش

نویسنده به پیشینه جدی و خاصی در موضوع تعامل با مخالفان دست نیافته است. تنها اشاراتی پراکنده و مختصر در لابلای بعضی از کتب تفسیری ترتیبی و موضوعی وجود دارد؛ مانند تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی، ولی از نظر نویسنده، کافی و وافی نمی‌باشد. در میان پایان‌نامه‌های قرآنی مواردی یافت شد که عنوان آنها تا حدودی با موضوع مورد نظر ارتباط داشت. یکی از این پایان‌نامه‌ها «شیوه‌های ارتباط و تبلیغ در قرآن در برخورد با عموم مردم

---

۱- البته این فرضیه در تحقیق تأیید نشد و با بررسی دقیق آیات، جزو شیوه‌های عام قرار گرفت.

و مخالفان» نوشته «محمد صنایع» است که در خصوص تبلیغ نوشته شده ولی به صورت بسیار مختصر به موارد محدودی از روشهای برخورد پیامبر با مخالفان اعتقادی اشاره کرده است. هر چند خواننده انتظار دارد با توجه به عنوان پایان نامه، شیوه‌های برخورد با عموم مخالفان را در این تحقیق بیابد.

پژوهش دیگر، «شیوه‌ها و برخوردهای هدایتی قرآن با مخالفان» نوشته «سیدهاشم موسوی» است. نویسنده پس از بیان هدایت و اقسام آن، به صورت کلی و مختصر و بدون تفکیک انواع مخالفان روش‌های ارتباطی با آنان را آورده است.

در میان پژوهشهای مورد نظر به پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی شیوه‌های دعوت انبیای اولوالعزم در قرآن» نوشته «علی حسین‌زاده» دست یافتیم که از جهت اینکه روشهای دعوت را طرح کرده است، نسبت به موضوع مورد نظر این تحقیق، عام است و از این جهت که اختصاص به دعوت انبیای اولوالعزم دارد، خاص می‌باشد ضمن اینکه ایشان، شیوه‌ها را به صورت مختصر و کلی مطرح کرده و بسیاری از روشها از نگاه نویسنده پوشیده مانده است.

«مدینه النبی، شیوه رفتار رسول خدا با مخالفان بر اساس قرآن و سیره» نوشته «غلامرضا نوعی» عنوان پژوهشی دیگر است که به صورت خاص، شیوه رفتار رسول خدا (ص) با مخالفان را مورد بحث قرار داده است. گرچه عنوان این پایان نامه با موضوع مورد نظر شباهت زیادی دارد، ولی در آن، روشها به صورت مختصر بیان شده است. همچنین بعضی از عناوین موجود در آن، مقوله‌ای جدای از شیوه است و به نظر اینجانب در واقع معیارهایی است که باید شخص پیامبر، در ارتباط با مخالفان مد نظر قرار دهد، مانند عدالت با مخالفان، قانون‌مداری در رفتار با مخالفان و آزادی عقیده.

گزارش ارایه شده از پژوهشهای موجود در این زمینه مشخص می‌کند که موضوع تعامل پیامبران با مخالفان از نگاه قرآن دارای پیشینه غنی در میان کتابها و پایان‌نامه‌ها نیست و به طور قطع، تحقیق و تتبع بیشتری در این زمینه لازم است. نویسنده در صدد است با نگاهی دوباره به آیات، شیوه‌های برخورد و تعامل پیامبران با مخالفان را بیابد و از آن رهگذر دریابد اکنون باید با مخالفان چگونه عمل کرد؟

---

**فصل اول**  
**شیوه‌های عام**

---

پیامبران در برخورد با مخالفان از روشهای مختلفی استفاده می‌کردند. این روشها با توجه به موقعیتها و شرایط مختلف متفاوت بود. ولی گاه شرایط ایجاب می‌کرد در برخورد با همه مخالفان از یک شیوه استفاده شود. بنابراین مراد نگارنده از شیوه‌های عام، روشهایی است که در برخورد با همه یا اکثر مخالفان مصداق دارد. نگارنده شیوه‌هایی را که حداقل در برخورد با دو گروه از مخالفان مشترک است، در شمار شیوه‌های عام به حساب آورده است، زیرا با این وصف آن شیوه به عنوان شیوه خاص شمرده نمی‌شود.

## 1-1- بیدارسازی عقول

خداوند نعمتهای بسیاری به انسان داد عقل مهمترین این نعمتهاست. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ<sup>1</sup>»

خداوند انسان را به زیور عقل آراست تا در پرتو بهره گرفتن از آن به کمال رهنمون شود. پیامبران نیز که برای هدایت بشر مبعوث شده‌اند، عقل آنها را مخاطب قرار می‌دهند. چه بسا انسان آن چنان در اوهام و افکار خرافی و انحرافها غرق شود که عقل و اندیشه خویش را در بند کشاند. پیامبران به بیدارسازی عقلهای خفته می‌پردازند؛ البته در طی این مسیر به یک روش اکتفا نمی‌کنند، بلکه با پیش‌روی نهادن راهکارهای متفاوت به عقلهای فرورفته در گریبان تلنگری می‌زنند تا از خواب سنگین برخیزد و آن‌گونه که باید بیندیشد.

اکنون شیوه‌های پیامبران را در بیدارسازی عقول بشر برمی‌شمریم.

---

1- خداوند برای بندگان، چیزی برتر از عقل تقسیم نکرد. کلینی رازی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، چاپ چهارم،

دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1365 ه. ش، ج 1، کتاب العقل و الجهل، ص 12، ح 11.



## 1-1-1- اقناع مخالف با ارایه معجزه

از آنجا که اکثر مردم نمی‌پذیرفتند انسانی ادعا کند، پیام‌رسان خداوند است اولین مانع در برابر دعوت پیامبران، عدم تصدیق ایشان بود.<sup>1</sup>

«وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا»<sup>2</sup> اسراء (17): 394<sup>3</sup>

مردم از پیامبران می‌پرسیدند: چرا خداوند ملائکه را به پیام‌رسانی انتخاب نکرده است؟<sup>4</sup>

«... فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا...»<sup>5</sup> تغابن (64): 6

پیامبران در پاسخ، بر بشر بودن خود تأکید می‌کردند و پیامبری خود را موهبتی الهی

برمی‌شمردند که خداوند به بندگانش شایسته‌ی خود عنایت می‌فرماید.<sup>6</sup>

- 
- 1- ر. ک: طبری، ابو جعفر محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دار المعرفه، بیروت، 1412 هـ. ق، ج 15، ص 111. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، 1372 هـ. ش، ج 6، ص 680. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، دار الکتب العربی، بیروت، 1407 هـ. ق، ج 2، ص 694. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417 هـ. ق، ج 13، ص 205.
  - 2- و [چیزی] مردم را از ایمان آوردن باز نداشت، آنگاه که هدایت بر ایشان آمد، جز اینکه گفتند: «آیا خدا بشری را به سمت رسول مبعوث کرده است؟»
  - 3- نیز بنگرید به: انعام (6): 91. هود (11): 27. انبیاء (21): 3. مؤمنون (23): 24، 33-34. فرقان (25): 7. شعراء (26): 154 و 188. یس (36): 15. قمر (54): 24. تغابن (64): 6.
  - 4- ر. ک: طبری؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج 28، ص 78. طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص 449. زمخشری؛ الکشاف، ج 4، ص 547. طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج 19، ص 297.
  - 5- ... و [لی] آنان [می] گفتند: «آیا بشری ما را هدایت می‌کند؟»...
  - 6- ر. ک: طبری؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج 13، ص 128 و ج 16، ص 31. طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 6، ص 471 و 770. زمخشری؛ الکشاف، ج 2، ص 544. طباطبایی؛ المیزان، ج 12، ص 31-32 و ج 13، ص 405.

«قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...»<sup>1</sup> ابراهیم

11:(14)

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ...»<sup>2</sup> كهف (18):110<sup>3</sup>

خداوند نیز تأکید می‌کند فرستادگان او برای انسانها، همواره انسانهایی همانند آنها و با خصوصیات و رفتار انسانها هستند.<sup>4</sup>

«وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ...»<sup>5</sup> فرقان (25):20<sup>6</sup>

اساساً لزوم سنخیت میان پیامبران و دیگر انسانها امری غیر قابل انکار است و حتی در امور تربیتی جزئی و معمولی میان دیگر انسانها نیز صادق است. به این معنا که هر چقدر مرتبی از جهات مختلف به دیگران نزدیک‌تر باشد، رابطه میان آنها عمیق‌تر و در نتیجه الگوبرداری، برآورده شدن احتیاجها و گرفتن جوابهای لازم از وی نزدیکتر و آسان‌تر خواهد بود و بالعکس، تفاوت میان مرتبی و مرتبی، آنها را از بهره‌مندیهایی لازم محروم خواهد ساخت<sup>7</sup> و این همان نکته‌ای است که قرآن کریم در جواب متقاضیان نزول ملائکه به عنوان نبی فرموده است.

«قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا» اسراء

95:(17)

---

1- پیامبران‌شان به آنان گفتند: «ما جز بشری مثل شما نیستیم. ولی خدا به هر یک از بندگان که بخواهد منت می‌نهد...»

2- بگو: «من هم مثل شما بشری هستم و [لی] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است...»

3- مشابه این آیات عبارت است از: انعام(6):50. هود(11):31.

4- ر.ک: طبری؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج 18، ص 144. طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 7، ص 258. زمخشری؛ الکشاف، ج 3، ص 271. طباطبایی؛ المیزان، ج 15، ص 193.

5- و پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم جز اینکه آنان [نیز] غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند...

6- نیزنک: انبیاء(21):7-8. احقاف(46):9.

7- ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ اول، دار الکتب الاسلامیة، تهران، 1374 ه. ش، ج 12، ص 291.

«وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ» انعام (6): 9

اغلب مفسران در شرح این آیات اشاره کرده‌اند در صورتی پیام‌رسان الهی از جنس ملائکه است که فرشتگان در زمین ساکن باشند و خداوند رسولی برای ایشان مبعوث نماید، زیرا تنها فرشته‌ها قادر به دیدن افرادی از جنس خود هستند. ولی چون درخواست کنندگان فعلی از جنس بشر بودند، نمی‌توانستند فرشته‌ها را در صورت اصلی ببینند؛ از این رو اگر خدا می‌خواست درخواست ایشان را قبول کند، ناگزیر او را به صورت بشر درمی‌آورد و باز همان شبهه‌ای که در مورد رسولی از جنس بشر داشتند، پیش می‌آمد. برخی مفسران برای اثبات نظر خود به نمونه‌هایی از نزول ملائکه با صورتهای انسانی بر پیامبران استناد کرده‌اند.<sup>1</sup>

برخی دیگر از مفسران، این آیات را به گونه‌ی دیگری تفسیر کرده‌اند. «علامه طباطبایی» در تفسیر آیه 95 سوره «اسراء» می‌نویسد:

«زندگی زمینی و عنایت خدا نسبت به هدایت بندگان اقتضا می‌کند خداوند فرستاده‌ای از جنس فرشته‌ها به سوی افرادی از بشر گسیل دارد. حتی اگر به فرض، ساکنان زمین هم فرشته بودند، باز هم خدا به افرادی از آنان که رسول هستند، فرشته‌هایی از آسمان می‌فرستد تا وحی را به ایشان ابلاغ کند.»<sup>2</sup>

---

1- ر. ک: طبری؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج 15، ص 111 و ج 7، ص 97-98. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج 6، ص 522 و ج 4، ص 84. طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 6، ص 680 و ج 4، ص 429. زمخشری؛ الکشاف، ج 2، ص 694. رازی، فخر الدین؛ مفاتیح الغیب، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1420 هـ. ق، ج 7، ص 410 و ج 4، ص 487. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو؛ تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1419 هـ. ق، ج 5، ص 112 و ج 3، ص 216. فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، چاپ دوم، مکتبة الصدر، تهران، 1415 هـ. ق، ج 3، ص 223 و ج 2، ص 108-109. قطب، سید؛ فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، دار الشروق، بیروت - قاهره، 1412 هـ. ق، ج 4، ص 2251 و ج 2، ص 1042. دروزه، محمد عزّة؛ التفسیر الحدیث، دار احیاء الکتب العربیة چاپ دوم، قاهره، 1383 هـ. ق، ج 4، ص 68 و ج 3، ص 433. فضل الله، سید محمد حسین؛ تفسیر من وحی القرآن، چاپ دوم، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، 1419 هـ. ق، ج 14، ص

235 و ج 9، ص 35-36

2- طباطبایی؛ المیزان، ج 13، ص 207.

ایشان در تفسیر آیه 9 سوره «انعام» نظر اغلب مفسران را مبنی بر اینکه «چون انسانها به دیدن ملائکه قادر نیستند، پس رسول الهی نمی‌تواند از جنس ملائکه باشد» زیر سؤال می‌برد و می‌نویسد:

«این، از جمله خصوصیات انسانهای معمولی است، زیرا خدا می‌تواند به انبیای خود قدرت دیدن ملائکه را در صورت اصلی ایشان عنایت کند. همان گونه که در روایات آمده است پیامبر (ص)، دو مرتبه، جبرئیل را در صورت اصلی وی دید. همچنین می‌تواند به سایر مردم چنین قدرتی دهد ولی مسأله جبر و اضطرار پیش می‌آید، زیرا دعوت الهی متوجه انسان مختار است و رسول باید از خود مردم باشد تا در نتیجه سعادت را با اطاعت و شقاوت را با مخالفت اختیار نمایند. نه این که با فرستادن آیتی آسمانی، ایشان را به قبول دعوت مجبور سازد؛ بنابراین اگر خداوند تقاضای کفار را می‌پذیرفت، باز هم حکمت اقتضا می‌کرد همان فرشته را به صورت بشری نازل کند تا اختیار او در فعل و ترک محفوظ بماند. همچنین می‌تواند ملائکه‌ای را که به صورت بشر نازل شده است، معرفی کند تا مردم به فرشته بودن او یقین کنند و ایمان آورند؛ چنان که قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم و حضرت لوط - علیهما السلام - خبر داده است که اندکی پس از دیدن ملائکه، آنان را شناختند.»<sup>1</sup>

«زمخشری» نیز می‌نویسد: اگر مردم، ملائکه را در صورت اصلی خود ببینند، به یکی از دلایل

ذیل هلاک می‌شوند:

1- زیرا اگر ملائکه را در صورتی اصلی ببینند با آنکه نشانه‌ای آشکار و یقین‌آور است، باز هم ایمان نمی‌آورند؛

2- از آنجا که هنگام نزول ملائکه، اختیار که اساس تکلیف است از بین می‌رود، نابودی ایشان قطعی است؛

3- ممکن است از ترس دیدن ملائکه، روح از بدن ایشان خارج گردد و هلاک شوند.

---

1- همان، ج 7، ص 22-24 با تلخیص.